

فصل نامه علمی - تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال پنجم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۶ تا ۳۴

بررسی تطبیقی حمایت از حقوق کودک در قرآن

و حقوق بشر^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

نجیب الله حکیمی^۳

چکیده:

در این نوشتار تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که پایه‌ریزی تنظیم و تشریح حقوق کودک بصورت جامع و کامل بدون نقص و کاستی در کدام نظام حقوقی ارائه شده است؟ برآیند این تحقیق نشان می‌دهد که جایگاه حقوق کودک و پرداختن به همه ابعاد و زوایای آن در آموزه‌های قرآنی نسبت به نظام حقوق بشری از سطح فاخرتر و برتری برخوردار است زیرا در نظام‌های حقوق بشر از جمله کنوانسیون حقوق کودک برخی از حقوق اصلی کودک همانند حقوق معنوی را نادیده گرفته است در حالی که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل به تمام ابعاد و زوایای آن توجه داشته است پس میتوان گفت پایه‌ریزی و تنظیم حقوق کودک بصورت جامع در نظام حقوقی قرآن ارائه شده است آنهم در شرایطی که کودکان انسان

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

^۲ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۳ - دکتری قرآن و حقوق از جامعه المصطفی (ص) العالمیه، (نویسنده مسؤول)
kariminia@quran.ac.ir

محسوب نمیشد و جنبه مالیت داشت و خرید و فروش میشدند از همه مهمتر از ابتدائترین حق، که حق حیات است محروم بودند و زنده به گور میشدند و دوره‌های تحقیر و تنبیه را سپری نمودند. تشریح و حمایت از حقوق کودک در چنین شرایطی، بدون الگوگیری از دیگر نظام‌های حقوقی در واقع از اعجاز و شگفتی علمی قرآن محسوب میشود.

واژگان کلیدی: قرآن، تشریح، قانون‌گذاری، کودک، حقوق، حقوق کودک.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از جمله مباحث حوزه خانواده، حقوق و وظایف هریک از اعضای خانواده می‌باشد و به دلیل اینکه کودک ضعیف‌ترین و شاید مهم‌ترین عضو خانواده است، حقوق او از مهم‌ترین حقوق انسانی است؛ زیرا اگر کودکان از مراقبت و حقوق ویژه‌ای برخوردار نباشند، نمی‌توانند در سایه این حقوق از صحت و سلامتی روحی و جسمی برخوردار شده، حضوری مفید و کارساز در اجتماع داشته باشند. لذا مباحث حقوق کودک از مسایل ریشه‌ای و مهم است که در میان انبوه دیگر مسایل علوم انسانی اهمیت به سزایی برخوردار است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. حقوق

واژه حقوق در زبان فارسی، برحسب زمینه کاربرد آن، در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ در مباحث حقوقی، دست کم دو معنای اصلی برای این واژه بیان شده است:

الف) حقوق مجموعه قواعد و مقرراتی الزام‌آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، برزندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲) امروزه این مجموعه قواعد و مقررات را باقطع نظر از منابع آن و کسانی که آن را وضع کرده‌اند، «حقوق» می‌نامند. حقوق در این معنا جمع حق نیست بلکه مرادف با قانون است.

ب) حقوق عبارت است از امتیازها و توانایی‌های ویژه‌ای است که هر جامعه برای اشخاص خویش به رسمیت شناخته و دیگران را مکلف به رعایت آنها کرده است؛ هریک از این امتیازها و توانایی‌ها «حق» است که مجموعه آنها را «حقوق» می‌نامند. واژه حقوق در این معنا واژه جمع است و مفرد آن حق می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۳).

آنچه در مبحث حقوق کودک بررسی می‌شود معنای اخیر است، مانند حق حیات، حق بر نسب، حق داشتن اسم، حق نفقه، حق حضانت، حق تربیت، حق آموزش و تربیت، و... .

۱-۲. کودک

از مباحث مهم و اساسی در بحث حقوق کودک؛ تعریف کودک و تعیین محدوده سنی کودکی از آغاز تا پایان است. با نگاهی گذرا به اسناد بین‌المللی و قوانین کشورها و آموزه‌های حقوقی اسلام در این زمینه به روشنی می‌توان دریافت که اتفاق نظر در این مورد وجود ندارد.

۲-۱. مفهوم کودک در اسناد بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر در باره کودکان کنوانسیون حقوق کودک است که در آن، از کودک تعریفی ارائه کرده است.

ماده ۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد: از نظراین کنوانسیون، منظور از کودک افراد زیر ۱۸ سال است؛ مگر این که طبق قانون قابل اجرا در باره کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

۲-۲. مفهوم کودک در قوانین کشورها

الف: شروع کودکی

در زمینه شروع کودکی، می‌توان کشورها را به دو گروه متفاوت تقسیم کرد: گروه اول) کشورهای هستند که شروع دوران کودکی را از زمان انعقاد نطفه می‌دانند؛ مثل کشورهای امریکای لاتین، ایرلند و واتیکان. برای مثال کشور آرژانتین دوره کودکی را مدت زمان انعقاد نطفه تا ۱۸ سالگی می‌داند. در قانون مدنی آرژانتین آمده است که: «هستی و موجودیت انسان از لحظه انعقاد نطفه در رحم آغاز می‌شود و هر فرد می‌تواند از حقوق معینی قبل از تولد، چنان که گویی متولد شده است برخوردار شود. اگر جنینی که در رحم است زنده متولد شود، حقوق

مذکور برای او همیشگی و برگشت ناپذیر خواهد شد؛ اگرچه از زمان تولد از مادرش جدا شود.» (هاچکین و نیوئل، ۱۳۸۷، ص ۳).

قانون کشور بولیوی مدت زمان تولد تا ۲۱ سالگی را دوره کودکی می‌داند. (همان، ص ۵).

گروه دوم) شروع دوران کودکی را از لحظه تولد می‌دانند. برای مثال در فرانسه برای این که جنین از حقوق برخوردار شود دو شرط وجود دارد: اول، زنده متولد شود و دوم قابلیت بقا نیز داشته باشد. اما در آلمان و سوئیس به شرط دوم (قابلیت بقا) (امامی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۰).

در نظام حقوقی ایران آغاز کودکی را از ابتدای تولد می‌داند. ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود. اما مطابق دیگر مقررات قانون مدنی، حمل یعنی کودکی که هنوز متولد نشده از تاریخ انعقاد نطفه از کلیه حقوق برخوردار می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود اگرچه پس از تولد هم فوراً بمیرد. (صفایی، سید حسین و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

در نظام حقوقی افغانستان شروع کودکی و شخصیت او با ولادت کامل و به شرط زنده بودن آغاز و با وفات پایان می‌پذیرد. (ماده ۳۶ قانون مدنی)

ب: پایان کودکی

بسیاری از کشورهای جهان پایان دوران کودکی را ۱۸ سالگی پیش‌بینی کرده‌اند؛ ولی برخی کشورها ۱۹ و ۲۱ سالگی را پایان دوران کودکی در نظر گرفته‌اند.

در بیشتر ایالت‌های آمریکا پایان این دوران را ۱۸ سالگی پیش‌بینی کرده‌اند و تعداد کمی از ایالت‌ها نیز سن بزرگ‌سالی را ۱۹ یا ۲۱ سال می‌دانند. در فرانسه افراد زیر ۱۳ سال به طور کلی فاقد مسئولیت کیفری هستند و از ۱۳ سالگی تا ۱۸ سالگی نیز کودک محسوب می‌شوند؛ ولی مسئولیت کیفری نیز دارند و فقط نحوه برخورد

با آنان با بزرگسالان متفاوت است. قوانین الجزایر در این زمینه مثل قوانین فرانسه است. در آلمان ۲۱ سالگی پایان دوران کودکی است، البته اگر افراد در سنین ۱۴ تا ۲۱ سالگی مرتکب بزه‌ی شوند مسئولیت نسبی دارند و نحوه برخورد آنان با بزرگسالان تفاوت دارد. در کشورهای کویت، مصر، سوریه، لبنان و عربستان پایان دوران کودکی ۱۸ سالگی است. کودکان زیر ۷ سال در کشورهای مذکور فاقد مسئولیت بوده و افراد بین ۷ تا ۱۸ سال مسئولیت نسبی دارند. در قوانین بحرین طفل به فردی اطلاق می‌شود که در زمان ارتکاب جرم، سن او از ۱۵ سال نگذشته باشد. (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۴۸).

براساس قانون مغرب، طفل کمتر از ۱۲ سال مسئولیت کیفری ندارد و حد اکثر سن کودکی ۱۸ سالگی است. در کانادا پایان دوره کودکی ۱۹ سالگی است. (ایروانیان، امیر، ۱۳۸۲، ص ۳۶ و ۴۵)

قانون مدنی و مجازات ایران برای ورود به سن مسئولیت کیفری و خارج شدن از حجر و ممنوعیت از تصرف، نظر مشهور فقهاء را که همان سن بلوغ شرعی است معیار قرار داده است. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ آن مقرر می‌دارد: اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبرا از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء، کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.

تبصره ۱) منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. در قانون مدنی ماده ۱۲۱۰ آمده است که سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. *پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* البته در مورد مسئولیت کیفری اطفال در قانون مدنی و مجازات ایران اطفال به چند دسته تقسیم می‌شوند که در عرصه‌های مختلف حقوقی و اجتماعی معیار سن

متفاوت است. در برخی موارد تفاوتی بین دختر و پسر وجود ندارد و در برخی موارد در پسر و دختر به مدت ۶ سال تفاوت در سن مطرح است.

۳. پیشینه حقوق کودک در جهان و اسناد بین‌المللی

برای فهم و شناسایی دقیق‌تر هر موضوعی، بررسی پیشینه و سیر تحول آن در جوامع بشری، همیشه ضروری به نظر می‌رسد. حقوق کودک نیز از این بررسی مستثنا نیست. به همین دلیل، در ادامه به بررسی پیشینه تاریخی حقوق کودک در سه بخش می‌پردازیم:

۳-۱. پیشینه وضعیت حقوق کودک در جهان:

در قرون ابتدایی، کودکان به مانند برخی اقشار جوامع، از جمله زنان، دوران بسیار سخت و خشونت‌باری را پشت سر گذاشته‌اند. بدرفتاری بزرگسالان با آنان و مجازات‌های شدید، از قبیل مجازات‌های بدنی و حتی اعدام و رفتارهای خشونت‌آمیز با ایشان، از جلوه‌های رفتاری برخورد با خردسالان بوده است. برای مثال در سال ۱۶۸۸، در قانون ایالت نیوجرسی شرقی آمریکا، بریا هر کودکی که مورد نفرین والدین قرار بگیرد یا از دستور آن‌ها سرپیچی کند یا به آنان اهانت کند، مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود. (جعفر، علی محمد، ۱۹۹۶، ص ۱۹).

الف) دوران کودک‌کشی:

در گذشته‌های دور، با کودکان بسیار خشونت‌بار و سخت‌گیرانه رفتار می‌کردند. این مسئله تا قرن چهارم ادامه داشته است در رُم قدیم قدرت پدرا نه حاکم بوده است که به پدر خانواده حق می‌داد زندگی فرزندش را همانند بردگان در اختیار خود بگیرد: پدر خانواده به آنان زندگی و حیات داده بود و می‌توانست آن را پس بگیرد. در نتیجه کشتن فرزند را بر مبنای قاعده مذکور توجیه می‌کردند. (فوکو، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵).

در استرالیا، فرزندکشی قانونی بوده است؛ به این صورت که هیچ مادری حق نداشت بیشتر از یک کودک داشته باشد و به هر حال فرزند دوم کشته می شد. بچه‌های دوقلو یا بیشتر سرنوشت بسیار سخت و غم‌انگیزی داشتند؛ بدین نحو که گاه یکی و گاهی هر دو یا همه کشته می شدند. در برخی نواحی دیگر، بچه‌های بیمار و ناقص الخلقه به دلیل آن که نیاز به مراقبت زیادتر یا ویژه داشتند، به حیات آنان خاتمه داده می شد و در باره کودکان ناقص الخلقه گاه از مادر خواسته می شد که تمام یا قسمتی از گوشت آن‌ها را بخورد تا آن مقدار نیروی که به هنگام وضع حمل از دست داده است باز یابد. (پیوندی، همان، ص ۱۳۱).

ب) دوران تحقیر و تنبیه:

از قرن چهارم تا چهاردهم میلادی، از آنجا که مردم و جامعه توان درک حقیقت و ماهیت کودک را نداشتند، بر این باور نادرست اصرار می‌ورزیدند کودک موجودی ناپاک و خبیث بوده و تنها راه مقابله با چنین مسئله‌ای به کاربردن تنبیه‌های بدنی شدید است. همچنین به دلیل این که از کودکان انتظار کارهایی داشتند که بیشتر از توانایی و تحمل آنان بود، هرگونه اذیت و آزار و شکنجه آنان را امری جایز تلقی می‌کردند. در نتیجه وادار کردن کودکان معصوم و بی‌گناه به کارهای طاقت‌فرسا و بسیار سخت، میان مردم متداول بود. در حقیقت چون کودکان در موضع ضعف بودند و توان مقابله با بزرگسالان را نداشتند، دوران بسیار سختی راسپری کردند و انواع تنبیه و تحقیر را متحمل شدند.

ج) دوران حیرت و دودلی (دوره انتقال)

این دوره که از قرن چهاردهم آغاز شد و تا قرن هفدهم ادامه داشت دوره ظهور نظریه‌های بود که باتفکرانی قبل از قرن چهاردهم متضاد بود در این دوران ظهور تعدادی نشریه‌ی حاوی مطالبی نسبتاً سودمند در رد اعتقاد به خباثت و ناپاکی ذات و طبیعت کودک به طور جدی زیر سؤال رفت و این نشریه‌ها توانستند تا اندازه‌ای

زمینه بروز تردید و دودلی را در افکار و اذهان مردم فراهم آورند و وجه تسمیه‌ای برای این دوران گردند. (حسینی، سیدعلی اکبر، ۱۳۸۲، ش ۲۱، ص ۲۵ و ۲۶).

(د) دوران تسامح و آسان‌گیری:

قرن هفدهم و هجدهم دورانی بود که بر تفکرات و اندیشه‌های سخت‌گیرانه و برخورد شدید با کودکان، مهر بطلان خورد و پدر و مادر این واقعیت را پذیرفتند که کودکان موجوداتی شرور، زشت‌سیرت و شقی نیستند، بلکه افرادی‌اند که اگر با آنان درست توجه شود می‌توانند برای آینده جامعه مفید و نقش آفرین باشند. از مهم‌ترین ویژگی این دوران تغییر کلی نگرش به کودکان در محیط خانواده و جامعه است. از زمانی که این نوع طرز فکر در باره کودکان رواج پیدا کرد و مهربانی و تشویق و هم‌دلی با آنان، جای تنبیه و خشونت و برخوردهای غیر انسانی را گرفت شکاف عمیق بین کودک و والدین از میان رفت. به نظر لوید دیماس «بعید نیست آن دسته از گزارش‌هایی که به کاهش مرگ و میر در این دوران اشاره می‌کنند معلول حاکمیت این طرز فکر بوده باشد» (همان).

(ه) دوران جامعه‌پذیری از طریق آموزش و پرورش:

از ابتدای قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم تغییرات اساسی در نحوه برخورد با کودک و به عبارت دیگر، در روان‌شناسی کودک رخ داده است. در این دوره «این اندیشه که می‌توان کودک را از طریق آموزش و تربیت به صورت انسانی اجتماعی، واجد خلق و خوی انسانی و در یک کلام، موجودی مطلوب و آرمانی در آورد، مورد حمایت اغلب روانشناسان و از جمله واتسن و فروید که در این زمان به سر می‌بردند قرار می‌گرفت» (پیوندی، همان، ص ۱۳۵).

(ز) دوران همدردی و تعاون:

دوران تعاون و همدردی از نیمه قرن بیستم شروع شد. مهم‌ترین ویژگی دوره مذکور را می‌توان در دو خصوصیت خلاصه کرد: اول، به‌کارگیری عنصر محبت و عاطفه در برخورد با کودکان و دوم، شناسایی حقوق کودک. در این بُرهه پرورش و تربیت کودکان عمدتاً بر عهده پدر و مادر بود و نگرش آنان نیز به کودکان تغییر کرده و انتظارات ایشان از اطفال غیر متعارف نبود. (همان ص ۱۳۷).

۳-۲. پیشینه حقوق کودک در اسناد بین‌المللی:

در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک دو دسته سند وجود دارد: گروه اول، اسناد عمومی و کلی هستند که در آن‌ها کودک به عنوان انسان، در برخی امور حقوقی دارند. گروه دوم اسنادی هستند که به طور خاص در باره کودکان مطالبی دارند.

الف) در اسناد عمومی حقوق بشر:

در اسناد مربوط به حقوق بشر بندهای وجود دارد که به طور مستقیم به حقوق کودک تصریح کرده‌اند: بند دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸، حق توجه و مراقبت مخصوص از مادر و کودکان را مطرح کرده است:

« مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه کودکان، اعم از آن که در پی ازدواج یا بی ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره‌مند گردند.»

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ با تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به نکات متعددی در خصوص حقوق کودک تصریح کرده است:

ممنوعیت اجرای حکم اعدام افراد کمتر از ۱۸ سال، جداکردن کودکان متهم از بزرگسالان، جدا بودن کودکان بزهکار از بزرگسالان برای گذراندن دوره محکومیت، سری بودن جلسات دادرسی و صدور حکم کیفری یا مدنی اطفال در صورت مصلحت، حق برخورداری کودک از حمایت خانواده و جامعه و حکومت. (بند ۵ ماده ۶، ماده ۱۰، ۱۴، ۲۳ و ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

ب) اسناد اختصاصی مربوط به کودکان:

اولین سند بین‌المللی راجع به کودکان در عرصه بین‌المللی به سال ۱۹۵۹، پس از جنگ جهانی دوم، مربوط می‌شود: مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق کودک را در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ تصویب کرد. این اعلامیه یک مقدمه وده اصل در باره حقوق کودکان دارد. در مقدمه اعلامیه آمده است:

« نظر به این‌که کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، و بعد از تولد، به مراقبت و توجه خاص، شامل حمایت مناسب، نیازمند است...، مجمع عمومی سازمان ملل این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توأم با خوشبختی باشد و از کودک و جامعه‌اش از حقوق و آزادی‌هایی بهره‌مند شود رسماً به آگاهی عموم می‌رساند. (عبادی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص، ۱۷۷).

بنابراین مجمع عمومی سازمان ملل کنوانسیون حقوق کودک را پس از ۱۰ سال مذاکره میان کشورهای عضو سازمان ملل، در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، تصویب و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا کرد. کنوانسیون یک مقدمه و سه بخش و شامل ۵۴ ماده است. تا کنون ۱۸۹ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به آن ملحق شده‌اند و خود را ملزم به رعایت و اجرای مفاد آن کرده‌اند.

محورهای اصلی کنوانسیون حقوق کودک عبارت‌اند از: حمایت، مراقبت، عدالت، آموزش، احترام و اکرام.

در اصل دوم اعلامیه جهانی حقوق کودک آمده است: «کودک باید از حمایت خاص برخوردار شود با تدوین قوانین و سایر وسایل، باید امکانات و تسهیلاتی فراهم گردد تا طفل از نظر جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی به نحو سالم و طبیعی در محیطی آزاد و شایسته و همراه با کرامت رشد کند و در قوانین باید به مصالح اساسی کودک بیش از هر امر دیگری توجه شود. در کنوانسیون حقوق کودک به امور ویژه‌ای توجه و بر آنها تاکید کرده‌اند؛ مانند عدم تبعیض، رعایت مصالح عالیۀ کودکان، حق زندگی و بقا و رشد و همچنین حق احترام و تکریم کودکان که از مهم‌ترین مسائل مربوط به حقوق کودکان هستند. (پیوندی، همان، ۱۴۰)

۳-۳. پیشینه حقوق کودک در اسلام

اسلام در عصری ظهور کرد که انسان و به تبع آن کودکان دوران بسیار خشونت‌باری را می‌گذراندند. ظهور اسلام در جزیره‌العرب درحالی بود که مردم عصر جاهلیت، نه تنها دختران خود را مایه ننگ می‌دانستند و آنان را زنده به گور می‌کردند، بلکه از برخی آیات قرآن بدست میاد که پسران را نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند. چنانکه خداوند متعال در سوره اسراء آیه ۳۱ بدان اشاره نموده و از افراد را از قتل فرزندان شان نهی میکند: « وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا) و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است.

اما با پیشرفت علم و تکنولوژی و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی همچنان این‌گونه اقدامات ناشایست از سوی برخی از کشورها چون هند و چین صورت می‌گیرد. والدین قبل از به دنیا آمدن کودک از جنس جنین آگاه شده و به محض اینکه بفهمند فرزند آنها دختر است، آن را از بین می‌برند. این نشان می‌دهد که

هنوز هیچ قانون بین المللی برای حمایت از حقوق کودکان وجود ندارد (بهشتی، ۱۳۸۷، ۸۲-۸۱).

بهره‌گیری از زبان وحی در شناخت کودک و به تبع آن حقوق وی، چشم‌انداز بسیار گسترده‌تری از آنچه انسان با عقل تشخیص می‌دهد فراروی ما قرار می‌دهد. در این مسئله محور همه امور، خدایی است که انسان را آفرید و از زوایای وجودی و نیازهای بشر، آگاهی و بر آنها احاطه کامل دارد. انسان و حقوق وی در شریعت اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. حقوق انسان و توجه به کرامت او از اهداف مهم اسلام به شمار می‌آید. کودکی به عنوان شروع حیات انسان، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دوران زندگی بشر به حساب می‌آید. نکته جالب توجه دیگر این است حقوقی را که قرآن مطرح می‌کند، در بسیاری از موارد بدون فرض نقض حقوق است؛ بدین معنا که قرآن قبل از اینکه هر گونه نقضی رخ دهد، آنها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های الهی بودن آن است، اما حقوق کودک در نظام حقوق بشری و مخصوصاً در کنوانسیون زمانی مطرح شد که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جهان دیده شد. این امر نشان از سبقت و کمال قرآن نسبت به قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک دارد.

۴. حقوق کودک در قرآن کریم

قوانین در یک تقسیم‌بندی کلی، به قوانین الهی و بشری تقسیم می‌شوند. قوانین بشری به دلیل عدم شناخت کامل انسان، از جامعیت لازم برخوردار نیست و نمی‌تواند به همه ابعاد روحی و روانی انسان توجه لازم را داشته باشد؛ به همین سبب، این حقوق غالباً در حال تغییر و تحول می‌باشند؛ لذا تغییر آراء در تعیین حقوق انسانی و التزام و پایبندی به قوانین بشری بسیار تردید آمیز است. از آنجا که هرگونه برنامه‌ریزی برای انسان مستلزم شناخت جامع از ابعاد و پیچیدگی‌های اوست و این امر جز به مدد وحی میسر نمی‌شود، همه صورت

بندی‌ها و تدوین‌های فارغ از جهان وحی ناقص و نارساست. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: (أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَدَّكَّرُونَ) (نحل / ۱۷)؛ « و آیا کسی که می‌آفریند، هم‌چون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟! ». و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَّا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ) (یونس / ۳۵)؛ « و آیا کسی که به سوی حق راه‌نمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود، یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر آن که راه‌نمایی شود؟! پس شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟ »

در مورد حقوق کودک در آموزه‌های قرآنی تقسیم‌بندی‌های متعددی ارائه شده است که در یک جمع بندی کلی می‌توان آنها را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد.

۴-۱. حقوق مادی:

حق حیات، حق شیر خواری، حق نام‌گذاری، حق نام‌گذاری و نام‌نیکو، حقوق مالی و تأمین آتیه فرزندان از حقوق مادی است.

الف) حق حیات و منع از فرزندکشی

اسلام برای حمایت همه جانبه از منافع کودک، تکالیف و دستوراتی مقرر کرده است. حتی پیش تولد کودک برای دوران حمل نیز حقوق مدنی و قواعدی حمایتی مقرر کرده است و در این دوران نه تنها از کودکان حمایت کرده، بلکه به مادران نیز به تبع کودکاک کاملاً توجه کرده است. حق حیات و حمایت از آن، جواز وصیت برای حمل، ارث بردن حمل از مورث و تأخیر اجرای مجازات زن حامله، به دلیل بیم ایجاد ضرر و صدمه به حمل، از جمله این حقوق هستند.

یکی از انواع قتل که در تاریخ سابقه دارد و متأسفانه امروز نیز رایج است، اگر چه تغییر شکل یافته، فرزندکشی است، گاهی برای ننگ و گاهی برای فقر این جنایت

را انجام می‌دادند و می‌دهند، قرآن با این پدیده زشت نیز به مبارزه برخاسته و این عمل را محکوم و ممنوع کرده است:

«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٌ نَّحْنُ نُرْزِقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمُ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام/۱۵۱) این آیه که در پی بیان محرمات الهی است، پس از نهی از شرک و امر احسان به والدین، از فرزندکشی سخن به میان آورده و آن را تحریم کرده است.

از این آیات بر می‌آید که عرب‌های دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصب‌های غلط زنده به گور می‌کردند بلکه پسران را که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز محسوب می‌شد، نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رسانیدند خداوند در این آیه آنها را به خوان گسترده نعمت پروردگار که ضعیف‌ترین موجودات نیز از آن روزی می‌برند توجه داده و از این کار باز می‌دارد.

با نهایت تاسف این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود، و به عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه در عالم جنینی از طریق کورتاژ به قتل می‌رسند.

گرچه امروز برای سقط جنین دلایل بی‌اساس دیگری نیز ذکر می‌کنند، ولی مساله فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلایل عمده آن است.

این‌ها و مسائل دیگری شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به شکل دیگری تکرار می‌شود و ((جاهلیت قرن بیستم)) حتی در جهانی وحشت‌ناک‌تر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۳)

ب) حق تغذیه (شیرخوارگی) (پال جامع علوم انسانی)

بعد از تولد، مهم‌ترین مسئله برای کودک ادامه حیات است و بدیهی است که در چنین موقعیتی، کودک توان حفاظت از خود را ندارد. مادر نزدیک‌ترین فرد به کودک است و شیر مادر بهترین غذا برای وی در دوران شیرخوارگی، است. در آموزه‌های دینی و تعالیم معصومان(ع) به بهره‌مندی کودک از شیر مادر، به عنوان برترین نوع تغذیه از زمان تولد، سفارش شده است. خداوند متعال در قرآن کریم در آیه‌ی دویست و سی و سوم سوره‌ی بقره به حقوق کودک و پدر و مادرش و قوانین شیر دادن به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: « وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتُمْ وَاللَّهُ وَاعِلْمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (و مادران، فرزندان‌شان را دو سال کامل، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد [دوران] شیر دادن را به اتمام رساند. و بر آن کس که نوزاد برایش متولد شده، لازم است خوراک آن (مادر) ان و پوشاک آنان را بطور پسندیده [در دوران شیر دادن فراهم آورد]. هیچ کس، جز به اندازه توانائیش، تکلیف نمی‌شود. هیچ مادری به واسطه فرزندش ضرر نبیند (و به او زیان نرساند)؛ و نه کسی که فرزند برایش متولد شده به واسطه فرزندش (ضرر ببیند و به او زیان رساند) و بر وارث مانند این (احکام واجب) است. و اگر آن دو، با رضایت و مشورت یکدیگر، بخواهند [کودک را زودتر] از شیر باز گیرند، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، پس هیچ گناهی بر شما نیست؛ هنگامی که آنچه را (وعده) داده‌اید بطور پسندیده بپردازید. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ و بدانید که خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.)

واژه‌ی «رضاعه» در اصل از ماده‌ی «رضع» به معنای «نوشیدن شیر از پستان» است. تعبیر «یرضعن» به صورت اخباری آمده است (نه انشایی و دستوری) که به گونه‌ی ظریفی، حال مادران را بیان می‌کند که به «فرزندانشان دو سال کامل شیر می‌دهند»، و این شیوه‌ی بیان تأثیر روانی بیش‌تری در توجه مادران به شیر دادن دارد.

۱) در آیه‌ی فوق دستورات مختلفی در باره‌ی شیر دادن نوزادان آمده و به حقوق گوناگونی که مادر و فرزند و پدر در این زمینه دارند، اشاره شده است که می‌توان آنها را در هفت بخش بیان کرد.

الف) حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی مخصوص مادر است. با این‌که سرپرستی کودکان بر عهده‌ی پدر است اما از آن‌جا که تغذیه‌ی جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوندی ناگسستنی دارد، حق نگاه‌داری و سرپرستی به مادر واگذار شده است؛ و این به خاطر رعایت عواطف مادر و حال کودک است. (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ).

ب) دوران شیرخوارگی (رضاعه) کامل، دو سال و دوره‌ی غیر کامل آن ۲۱ ماه است و این مطلب که در روایات آمده است، از ضمیمه کردن آیه‌ی فوق و آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی احقاف استفاده می‌شود. در آنجا می‌فرماید:

«بارداری و از شیر گرفتن کودک ۳۰ ماه است.» و در این‌جا می‌فرماید: «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند). (لَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةَ).

پس معلوم می‌شود که لازم نیست مدت شیر دادن حتماً دو سال باشد و مادران حق دارند با توجه به وضع نوزاد و رعایت سلامت او این مدت را تقلیل دهند و حتی در مورد لزوم، از ۲۱ ماه نیز کم‌تر کنند.

ج) هزینه‌ی زندگی مادر از نظر غذا و لباس در دوران شیر دادن بر عهده‌ی پدر نوزاد است تا مادر بتواند با خاطری آسوده فرزندش را شیر دهد و چنانچه زن

طلاق گرفته باشد نیز، همین حکم جاری است. (وَ عَلٰی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ).

د) هیچ یک از پدر و مادر نباید با اختلافات خویش سرنوشت کودک خود را قربانی کنند و بدین وسیله ضربه‌های جبران‌ناپذیری به روح و روان خود و نوزاد وارد سازند. (لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ).

پدر، حق مادر را در نگهداری کودک پای‌مال نکند و مادر نیز از این حق سوء استفاده نکند و با بهانه جویی از شیردادن خودداری نکند و یا مرد را از دیدار فرزندش محروم نسازد و به او ضربه‌ی روانی و اقتصادی نزند.

ه) بعد از مرگ پدر، وارثان او باید عهده‌دار این وظیفه شوند و احتیاجات مادر را در دورانی که به کودک شیر می‌دهد تأمین کنند. (وَ عَلٰی الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ).

و) هرگز نمی‌توان از حق شیر دادن و سرپرستی مادر جلوگیری کرد، مگر این‌که خودش امتناع ورزد و یا مانعی برای او پیش آید، که در این صورت می‌توان نگهداری و شیر دادن کودک را به دایه‌ی مناسبی واگذار کرد و یا قسمتی از شیر دادن را به عهده‌ی او گذاشت تا کمکی برای مادر باشد.

ز) زمان از شیر گرفتن کودک، به تصمیم پدر و مادر بستگی دارد. این زمان با توجه به وضع جسمی کودک و با هم‌فکری و توافق پدر و مادر تعیین می‌شود؛ یعنی آنان با مشورت و رضایت هم عمل می‌نمایند.

۲) تعبیر «مولود له» (کسی که فرزند برای او تولد یافته) در مورد پدر نوزاد آمده است و از واژه‌ی متعارف «اب» (پدر) استفاده نشده است. گویا این تعبیر عواطف پدر را در راه انجام وظیفه تحریک می‌کند که اگر هزینه‌ی مادر طفل به عهده‌ی پدر گذاشته شده، به خاطر فرزند او و میوه‌ی دل اوست، نه یک فرد بیگانه. پس ناگزیر مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و نفقه، مادری که

او را شیر می‌دهد به عهده او است، و این هم بعهده مادر او است که پدر فرزند را ضرر نزند، و آزار نکند، برای اینکه فرزند برای پدرش متولد شده است.

۳) تعبیر «معروف» در آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که لباس و غذای مادر باید در حدود متعارف و شایسته‌ی حال او تأمین شود، یعنی نه سخت‌گیری شود و نه اسراف گردد. تکرار واژه‌ی «معروف» در این آیه، به وجه نیکویی، عنصر عرف و زمان را در شاخص‌های مراعات حقوق خانوادگی وارد می‌کند.

۴) تکلیف انسان‌ها بر اساس قدرت و به اندازه‌ی توانایی آنهاست و نباید از نظر اقتصادی به پدر کودک فشار وارد شود. این یک اصل اساسی در احکام اسلامی است؛ بنابراین هیچ قانونی در اسلام وجود ندارد که کاری بیش از توان فرد از او بخواهد. (لا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا).

۵) باید حقوق مادر و دایه در برابر شیر دادن پرداخت شود و این یکی از زیباترین جلوه‌های رعایت حقوق زنان در اسلام است.

۶) از این آیه و آیات مشابه، متوجه جامعیت احکام اسلام می‌شویم که برای همه‌ی مراحل زندگی انسان، از دوران نوزادی تا هجرت، جهاد و فرهنگ، برنامه‌ریزی کرده است. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۹۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱۹-۲۲۲).

ابعاد علمی آیه:

آیه فوق از جهت ابعاد و اشاراتی علمی که در آیه مطرح شده است اعجاب هر انسانی را بر می‌انگیزد و همگی قابلیت بررسی میان‌رشته‌ای را دارند؛ از جمله:

در بُعد حقوقی به حقوق کودک، پدر و مادر و دایه اشاره کرده است
در بُعد پزشکی، بدون الگوگیری از نظام حقوقی دیگر لزوم تغذیه با شیر مادر در طول دو سال را بیان کرده است که نشان از اهمیت مسأله از دیدگاه قرآن دارد. حال اگر این قانون قرآن را با دیدگاه دانشمندان امروزی مقایسه نماییم در می‌یابیم که

آنان همان مطلبی را می‌گویند که قرآن کریم چهار ده قرن پیش بیان فرموده است.
(www.kaheel.com)

تحقیقات علمی ثابت کرده است که شیر مادر به طور کلی بهترین غذا برای طفل است، مقدار باکتری‌های مضر در بدن اطفالی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند ده برابر کمتر از اطفالی است که با شیر گاو تغذیه می‌شوند.
(www.naturalchild.org/guest/leslie_burby.htm)

همچنین میزان بروز سرطان در کودکانی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند هشت برابر کمتر از کودکانی است که با شیر گاو تغذیه می‌شوند. شیر مادر باعث جلوگیری از بروز حساسیت، آسم و التهاب گوش، التهاب ریه و... می‌گردد.
(www.momsandpopsproject.org/benefits.php)

منافع شیردهی برای خود مادر نیز کمتر از کودک نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که سرطان سینه و سرطان رحم در زنانی که شیر می‌دهند بسیار پایین‌تر از میزان آن در زنانی است که هرگز شیر نداده‌اند
(www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC).

از جهت دیگر، در بیانیه‌ای که مرکز بهداشت جهانی و هم‌چنین یونسف در مورد مدت زمان شیردهی منتشر کرده است به صراحت مدت زمان دو سال کامل را بهترین مدت برای شیردهی به کودکان معرفی نموده است.

تحقیقات نشان می‌دهد که بدن کودک تا پایان دو سالگی هنوز در برابر بیماری‌ها مقاوم نشده است و بهترین حامی وی در این دوران شیر مادر است. هم‌چنین برخی نیازهای ضروری بدن طفل تنها و تنها از طریق شیر مادر تامین می‌گردد.
(breastmilk/benefits.asp) به علاوه، تحقیقات نشان دهنده این مطلب

است که سرطان تخمدان در میان زنانی که بیست و چهار ماه شیر می‌دهند تا یک سوم کاهش می‌یابد. (Obstet Gynecol, 1994, p.760-764)

این همان مطلبی است که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل بدون الگوگیری از نظام حقوقی دیگر به آنان تصریح داشته است که این خود می‌تواند مهم‌ترین دلیل بر اعجاز تشریحی قرآن در حوزه تربیت به‌شمار آید و اولین پایه‌گذار قوانین حقوق کودک باشد. (www.iranmania.com)

در بُعد اقتصادی به هزینه مادر، کودک و دایه و تنظیم روابط اقتصادی آنها با پدر و نیز تأثیر عرف در این زمینه اشاره کرده است.

در بُعد تربیتی به مشاوره والدین، لزوم زیان نرساندن به کودک، اصل رضایت پدر و مادر در مسائل خانوادگی و عدم تحمیل تکالیف اشاره کرده است.

در بُعد روانشناختی به تحریک عاطفی پدر و مادر (با تعابیری مانند مولد له و والده) رعایت عواطف مادر در علاقه به سرپرستی کودک و ایجاد آرامش و رفع فشار روانی در خانواده اشاره می‌کند.

در بُعد مدیریتی، کنترل، نظارت و مدیریت تغذیه کودک در خانواده و نیز مدیریت اقتصادی خانواده پرداخته است.

در بُعد فقهی به مباحث رضاع، ارث، نفقه، و تأثیر زمان و مکان (عرف) در موضوعات احکام اشاره کرده است.

در بُعد قواعد فقهی به قاعده تکلیف به اندازه توان و قاعده عدم ضرر به دیگران می‌پردازد.

در بُعد اجتماعی به مسئله عرف، نهاد خانواده و شیوه‌های رفع اختلاف اشاره کرده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۱-۴۲۴)

اگر نبود، آیاتی دیگری در تشریح حقوق کودک، به جرأت می‌توان گفت آیه‌ی شریفه فوق به تنهایی و در یک نگاه کلان به تمام ابعاد حقوق کودک و نیز روابط

والدین و کودک پرداخته و آن را تشریح و پایه‌ریزی نموده است. چرا که در بحث پیشینه حقوق کودک پس از بررسی به این نتیجه رسیدیم که در هیچ نظامی حقوقی حتی کنوانسیون حقوق کودک که شالوده آخرین تلاش‌های فکری انسان قرن بیست و یکم می‌باشد در تبیین حقوق کودک دارای نقص‌های است

قرآن کریم در آیه فوق با شیوه‌ی منحصر به خودش به تنظیم قوانین روابط والدین و کودک در همه ابعادش پرداخته و با این ابتکار حقوق کودک را پایه‌ریزی نموده است که این نوعی اعجاز تشریحی قرآن در حوزه تربیت به شمار می‌آید.

نکته جالب توجه دیگر این است حقوقی را که قرآن مطرح می‌کند، در بسیاری از موارد بدون فرض نقض حقوق است؛ بدین معنا که قرآن قبل از اینکه هر گونه نقضی رخ دهد، آنها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های الهی بودن آن است، اما حقوق کودک در نظام حقوق بشری و مخصوصاً در کنوانسیون زمانی مطرح شد که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جهان دیده شد. این امر نشان از سبقت و کمال قرآن نسبت به قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک دارد. بنابراین، ضروری است قانون‌گذاران و مجریان حقوق بشر برای برپایی عدالت و احقاق حقوق انسانی، صرفاً به قوانین الهی که جامع‌ترین آنها در دین مبین اسلام و قرآن آمده است، تمسک جویند. قرآن از ابتدای کودک انسان، وظایف سنگینی بر عهده پدر و مادر او و در ادامه بر عهده حکومت گذاشته است تا انسانی سالم، مفید و ثمربخش تحویل اجتماع گردد، در حالی که تا قرن بیستم هیچ قانون مدونی در سطح بین‌المللی برای کودکان نوشته نشده است. (امینی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۸).

ج) حق نامگذاری و نام نیکو: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در آموزه‌های دینی و شرعی، سفارش‌های بسیاری به انتخاب نام مناسب و نیکو وجود دارد. در منابع حدیثی باب خاصی به موضوع انتخاب نام مناسب برای کودکان اختصاص یافته است. بعنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام در وصیت‌های خود

به امام علی(ع) فرمود: «یا علی حق فرزند بر پدرش این است که نامی نیکو و زیبا برای او برگزیند و...». (حُرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۸۷).

(د) حق برخورداری از هویت خانوادگی (نسب)

یکی از حقوقی که برای طفل اهمیت بسیاری دارد و آثار فراوانی بر آن بار می‌شود، قرابت خانوادگی (نسب) است که کودک در دامان آنها متولد شده است. حق کودک در داشتن نسب، یعنی همان حق داشتن پدر و مادر و برخورداری از حمایت‌های آنان. بسیاری از حقوق مربوط به کودکان، مانند حضانت، و نفقه و ارث، در سایه داشتن نسب مشخص، به سهولت تأمین‌پذیر و به‌دست آمدنی است.

خداوند در قرآن کریم استورای و استقامت انسان را در رابطه نسب قرار داده است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان، ۵۴) و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نَسَبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست.

منظور از نسب پیوندی است که در میان انسانها از طریق زاد و ولد به وجود می‌آید، مانند ارتباط پدر و فرزند یا برادران به یکدیگر، اما منظور از صهر که در اصل به معنی داماد است، پیوندهائی است که از این طریق میان دو طایفه برقرار می‌شود، مانند پیوند انسان با نزدیکان همسرش، و این دو، همان چیزی است که فقهاء در مباحث نکاح از آن تعبیر به نسب و سبب می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۱۵، ص ۳۱۷).

در حقوق اسلام، خانواده نقشی بسیار مهم و حیاتی دارد؛ از این‌رو دارای مقررات ویژه و دقیقی است تا کودکان، چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی و تربیتی، سالم و موفق به جامعه عرضه شوند.

۴-۲. حقوق معنوی:

یکی از مهم‌ترین حقوق کودک حقوق معنوی و حیات اخروی اوست به عبارتی مهم‌ترین حق انسانی است که متأسفانه نظام‌های حقوق بشری و نیز در کنوانسیون حقوق کودک بدان نپرداخته است. آیات قرآن کریم در این زمینه بسیار است. در تمامی این آیات توجه به حیات اخروی و خط فکری صحیح بر عهده والدین نهاده شده و از حقوق کودک شمرده شده است.

الف) توجه به دین و خط فکری صحیح:

قرآن کریم در سوره بقره ذیل آیات ۱۳۲ و ۱۳۳ بدان مهم توجه نموده است و می‌فرماید: « وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْنِي وَيَعْقُوبَ يَا بَنِي إِني إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند (و به فرزندان خویش گفتند: «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید. آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم».

قرآن با نقل وصیت ابراهیم گویا می‌خواهد این حقیقت را بازگو کند که شما انسانها تنها مسئول امروز فرزندانان نیستید، مسئول آینده آنها نیز می‌باشید تنها به هنگام چشم بستن از جهان نگران زندگی مادی فرزندانان بعد از مرگتان نباشید، به فکر زندگی معنوی آنها نیز باشید. نه تنها ابراهیم چنین وصیتی کرد که فرزندزاده‌اش یعقوب نیز همین روش را از نیای خود ابراهیم اقتباس نمود و در بازپسین دم عمر،

به فرزندانش گوشزد کرد که رمز پیروزی و موفقیت و سعادت در یک جمله کوتاه (تسلیم در برابر حق) خلاصه می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۶۲).

ب) حق کودک بر آموزش (تعلیم)

یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کودک در دنیای امروز، مسئله تعلیم و آموزش کودکان است. در دستورات دینی بر علم آموزی و دانش‌اندوزی کودکان از سنین ابتدایی دوران کودکی بسیار تأکید شده و شاید به هیچ موضوعی به این وسعت توجه نشده باشد. بع تعبیر امام علی (ع) العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر؛ علم و یادگیری در دوران کودکی همانند نقش روی سنگ (ماندگار) است. در آیاتی از قرآن کریم نیز هدف رسالت انبیای الهی، تزکیه و تعلیم ذکر شده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴) خداوند بر مؤمنان منت گذارد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

ج) حق کودک بر پرورش (تربیت صحیح)

تربیت یکی از تکالیف خاص پدر و مادر و سرپرستان قانونی در عرصه خانواده و اجتماع است. تربیت مهم‌ترین مسئولیت پدر و مادر در قبال فرزند است چرا که آینده کودک در گرو رفتار صحیح والدین و نشان دادن عکس‌العمل‌های مناسب در موقعیت‌های مختلف است خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگاه دارید... .

یکی از مصادیق مهمی که بیشتر مفسران در بحث از این آیه بیان کرده‌اند ادب آموزی و مسائل تربیتی است که خداوند به دنبال اخطار به برخی از همسران پیامبر(ص) و سرزنش آنان، خطاب خود را همه مؤمنان قرار داد است و در باره تعلیم و تربیت هسمر و فرزندان و خانواده به آنان دستوراتی می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۸۶).

همچنین خداوند در قرآن کریم گاهی رویه عملی برخی بندگان برگزیده خود را در تربیت و پرورش کودکان بیان می‌کند؛ مانند پنجاهای لقمان به فرزندش که می‌تواند نماد توجه کامل به تربیت، به خصوص تربیت دینی، باشد:

«وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/ ۱۳)؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسر! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است. از آنجا که کودک دارای حقوق متعدد و فراوانی است چه در بخش مادی و چه در بخش معنوی که بررسی و تحلیل همه آن موارد از وسع و توان نویسنده و ظرفیت این مقاله خارج است لذا به این نمی‌آیم از یمن بی‌کران آموزه‌های قرآن کریم بسنده نموده و تحلیل و بررسی سایر موارد از حقوق کودک باید در مقاله‌ها و کتابهای دیگر بصورت مستقل باید بحث شود.

در پایان به این نکته باید توجه کرد که حقوقی را که قرآن مطرح می‌کند، در بسیاری از موارد بدون فرض نقض حقوق است؛ بدین معنا که قرآن قبل از اینکه هر گونه نقضی رخ دهد، آنها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های الهی بودن آن است، اما حقوق کودک در نظام حقوق بشری و مخصوصاً در کنوانسیون زمانی مطرح شد که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جهان دیده شد. این امر نشان از سبقت و کمال قرآن نسبت به قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک دارد.

بنابراین، ضروری است قانون‌گذاران و مجریان حقوق بشر برای برپایی عدالت و احقاق حقوق انسانی، صرفاً به قوانین الهی که جامع‌ترین آنها در دین مبین اسلام و قرآن آمده است، تمسک جویند. قرآن از ابتدای کودک انسان، وظایف سنگینی بر عهده پدر و مادر او و در ادامه بر عهده حکومت گذاشته است تا انسانی سالم، مفید و ثمربخش تحویل اجتماع گردد.

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی و تبیین جایگاه حقوق کودک در آموزه‌های قرآن کریم در مقایسه با نظام‌های حقوقی بشر امروز در حمایت از حقوق کودک؛ می‌توان مدعی شد که قرآن کریم پایه‌گذاری و تشریح حقوق کودک در قرآن کریم کامل و جامع و بدور از نقص و کاستی می‌باشد و قبل از قرآن کریم دیگر نظام‌های حقوقی بصورت جامع به تنظیم حقوق کودک نپرداخته‌اند و امروزه هم اگر در سایر نظام‌ها و کنوانسیون حقوق کودک به حمایت از حقوق کودک پرداخته شده است جامعیت نظام حقوقی قرآن را ندارد چرا که این منابع حقوق بشری اولاً در کمیت حقوق کودک نسبت به قرآن کریم حقوق کمتری را برای کودک مطرح نموده‌اند بویژه در بخش حقوق معنوی که اهمیت بیشتری نسبت به حقوق مادی دارد. ثانیاً در کیفیت حقوق، در سطح ارزشی و محتوایی آن دچار لغزشهای فراوان است چرا که وضع قانون از سوی بشر و محدود بودن آگاهی او نسبت به تمام ابعاد و زوایای شخصیتی کودک خود گویای این لغزشهاست ولی در مقابل نظام حقوقی قرآن کریم که نظامی است الهی و طبعا در چنین نظامی به تمام ابعاد و زوایای انسانی توجه میشود لذا قوانین آن نیز جامع و برتر از سایر نظامها خواهد بود. از طرفی دیگر میتوان گفت که تشریح و تنظیم حقوق کودک بصورت جامع و کامل در شرایطی که کودکان انسان محسوب نمیشد و جنبه مالیت داشت و خرید و فروش میشدند از همه مهمتر از ابتداییترین حق، که حق حیات است محروم بودند و زنده به گور میشدند و

دوره‌های تحقیق و تنبیه را سپری نمودند خود از اعجازها و شگفتیهای علمی قرآن کریم محسوب میشود چه آن که در چنین شرایطی که دیگران کمترین حقوق را برای کودکان قائل نیستند قرآن کریم با پایه ریزی حقوق کودک، بدون الگوگیری از دیگر نظامهای حقوقی بدان پرداخته و بدون نقص و کاستی آن را تبیین مینماید در حالی که کنوانسیون حقوق کودک که شالوده آخرین تلاشهای انسان قرن بیست و یکم میباشد دارای نقص و لغزشهای است که به حقوق معنوی کودک که خود مهمتر از حقوق مادی است هیچ توجهی نمی شود.

منابع

- امامی، سیدحسن (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، تهران، نشر اسلامیه.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب.
- ایروانیان، امیر (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی حقوق کودک در اسناد بین‌المللی با قوانین و مقررات داخلی؛ سال هفتم، ماهنامه دادرسی، ۱۳۸۲، شماره ۳۶ و ۳۷.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۷)، اسلام و حقوق کودک، قم، نشر مؤسسه بوستان کتاب.
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۰)، حقوق کودک، تهران، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفر، علی محمد (۱۹۹۶)، الاحداث المنحرفون، بیروت، الجامعیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات، گنج دانش.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۰)، حقوق تربیتی کودک در اسلام، قم، نشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، نشر: مؤسسه آل‌البیت.

حسینی، سیدعلی اکبر(۱۳۸۲)، «مقایسهٔ اجمالی نظام حقوق کودک در اسلام و جهان غرب»، سال هشتم، ندای صادق، ۱۳۸۲، ش ۲۱، ص ۸۶-۱۰۶.
دانش، تاج‌زمان(۱۳۷۸)، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان.

رضایی اصفهانی، محمدعلی(۱۳۸۹)، تفسیر قرآن مهر، قم، انتشارات عصر ظهور.
رضایی اصفهانی، محمدعلی(۱۳۹۲)، علوم قرآن، قم، نشر بین‌المللی جامعه‌المصطفی‌العالمیه.

صفایی، سیدحسین(۱۳۹۲)، حقوق مدنی اشخاص و اموال، تهران، نشر میزان.
طباطبایی، محمدحسین(۱۳۶۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسماعیلیان.
عبادی، شیرین(۱۳۷۵)، حقوق کودک، تهران، کانون.
فوکو، مشیل(۱۳۸۳)، اراده به دانستن، ترجمه نیکوسرخوش و افشین جهان دیده، تهران نشر نی.

کاتوزیان، ناصر،(۱۳۶۸) حقوق مدنی(خانواده)، تهران، نشر به نشر.
کاتوزیان، ناصر،(۱۳۸۱)، فلسفه حقوق، تهران، نشر: به‌نشر.
قانون مدنی افغانستان، تهیه و تنظیم: حسینی صارم، قم، بی‌جا، بی‌نا.
مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان(۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، نشر دارالکتب‌الاسلامیه.

هاچکین، راشل و پیتر نیوئل(۱۳۸۷)، کتاب راهنما برای اجرای پیمان‌نامهٔ حقوق کودک، ترجمه مرتضی ثاقب و دیگران، تهران: یونیسف.

www.kaheel.com

http://www.naturalchild.org/guest/leslie_burby.htm

<http://www.momsandpopsproject.org/benefits.php>

<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC>

www.iranmania.com